

ابعاد اقتصادی ولایت، حضانت و قیمومت در فقه و حقوق ایران: چالش‌ها و راهکارهای حمایتی

فائزه قلعه نویی^۱

فائزه مقتدایی^۲

یونس واحد یاریجان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی ابعاد اقتصادی نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت در نظام حقوقی ایران می‌پردازد. بیان مسئله این پژوهش بر این واقعیت استوار است که علی‌رغم وجود پشتوانه‌های فقهی و حقوقی غنی در نظام حقوقی ایران، سازوکارهای عملیاتی برای نظارت و مدیریت اقتصادی اموال محجورین با چالش‌های بنیادین مواجه است. این چالش‌ها که ناشی از خلأهای تقنینی، ضعف نظارتی و کمبود مکانیزم‌های اجرایی است، در عمل منجر به نقص در حفظ و رشد اموال محجورین شده و در مواردی به سوءاستفاده از این اموال منجر می‌شود. سوال اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان با تکیه بر مبانی فقهی و حقوقی موجود، نظام نظارتی مؤثرتری برای مدیریت اقتصادی اموال محجورین طراحی کرد و چه راهکارهای عملیاتی برای کاهش چالش‌های موجود پیشنهاد می‌شود. در این راستا، اهداف تحقیق شامل تحلیل نظام حقوقی حاکم بر مدیریت اموال محجورین، شناسایی خلأها و نارسایی‌های موجود، بررسی چالش‌های اقتصادی پیش‌رو و در نهایت، ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت موجود است. روش تحقیق در این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکردی تطبیقی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه کتابخانه‌ای شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو شامل ضعف در نظام گزارش‌دهی مالی، نبود سازوکارهای نظارتی مؤثر، عدم شفافیت در عملکرد متصرفان اموال و کمبود ضمانت‌های اجرایی کافی است. از سوی دیگر، راهکارهای پیشنهادی در این تحقیق شامل تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق، ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی، استقرار سیستم گزارش‌دهی الکترونیکی، تعیین استانداردهای حرفه‌ای برای متصرفان اموال و تقویت ضمانت‌های اجرایی است. این راهکارها با توجه به مبانی فقهی و اصول حقوقی موجود ارائه شده و قابلیت اجرایی در نظام حقوقی ایران را دارا می‌باشند.

کلمات کلیدی: اقتصاد، حقوق، ولایت، حضانت، قیمومت، فقه.

^۱. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

F.Moghtadaei@gmail.com

^۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Yunesvahedyarajan@gmail.com

مقدمه

سرپرستی از افرادی که به لحاظ قانونی به دلیل صغر سن، جنون یا سفاهت، توانایی اداره امور خود را ندارند، از حساسترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین عرصه‌های حقوق خانواده و مدنی است. در این میان، آنچه که اغلب در سایه تصمیمات احساسی و مرتبط با امور شخصی پنهان می‌ماند، مسئله مدیریت اقتصادی و حفظ اموال این محجوران است. نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت، اگرچه در نگاه اول وظیفه‌ای حمایتی و اغلب معنوی دارند، اما در بطن خود بار مسئولیتی سنگین در زمینه اداره، حفظ و رشد سرمایه‌ها و دارایی‌های فرد تحت سرپرستی را به دوش می‌کشند. در نظام حقوقی ایران که ریشه در فقه عمیق و پویای امامیه دارد، این نهادها از جایگاهی ویژه برخوردارند؛ اما پرسش اصلی اینجاست که آیا قوانین و رویه‌های فعلی به تنهایی قادر به تضمین منافع اقتصادی این افراد هستند؟

در عمل، شکاف‌ها و چالش‌های فراوانی در مسیر تحقق این هدف وجود دارد؛ از نقصان در مکانیزم‌های نظارتی دقیق بر عملکرد اولیا و قیم‌ها گرفته تا امکان سوءاستفاده از اموال محجوران به بهانه اداره یا حتی نفقه. این چالش‌ها نه تنها آینده اقتصادی فرد محجور را به مخاطره می‌اندازد، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و خانواده را نیز خدشه‌دار می‌سازد. بنابراین، واکاوی ابعاد اقتصادی این نهادها فارغ از نگاه صرفاً حقوقی و ارائه راهکارهای عملی برای حمایت هرچه بیشتر از این گروه آسیب‌پذیر، نه تنها یک ضرورت علمی، که یک مسئولیت اجتماعی و اخلاقی است.

این مقاله در پی آن است تا با نگاهی تحلیلی-ترکیبی، به تبیین مبانی فقهی و حقوقی نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت پردازد و سپس با کالبدشکافی چالش‌های اقتصادی پیش‌رو اعم از تقنینی، اجرایی و نظارتی راهکارهای حمایتی را در سه سطح تقنینی، قضایی و فرهنگی پیشنهاد دهد. امید است این پژوهش گامی هرچند کوچک در جهت بهبود نظام حمایتی از محجوران و تضمین حقوق مادی آنان — به عنوان بخشی فراموش‌شده از کرامت انسانی — برداشته باشد.

۱- حوزه اختیارات و مسئولیت‌های اقتصادی ولایت، حضانت و قیمومت

یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین وجوه نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت، به حوزه اختیارات و مسئولیت‌های اقتصادی آنان بازمی‌گردد. این اختیارات، که ریشه در وظیفه سرپرستی و حمایت از محجور دارد، نه تنها یک حق، که بار مسئولیتی سنگین و امانت‌داری بزرگی را بر عهده ولی، حضانت‌کننده و قیم می‌گذارد. در نظام حقوقی ایران، این چارچوب به طور عمیقی از موازین فقه امامیه و اصل «حفظ مال محجور» تأثیر پذیرفته و در قالب مواد متعددی از قوانین مدنی و امور حسبی تجلی یافته است. برای نمونه، قانون مدنی ایران در ماده ۱۱۸۰، ولایت قهری را به پدر و جد پدری اعطا

کرده و مسئولیت اداره امور مولی علیه را به آنان محول می‌کند. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۵) این ولایت، که به صورت قهری و مستقیم ناشی از قانون است، طیف وسیعی از امور مالی را دربرمی‌گیرد. ولی می‌تواند در اموال منقول محجور تصرف نماید، اموری مانند دریافت درآمدهای ملکی، واریز وجوه به حساب بانکی، و پرداخت هزینه‌های ضروری زندگی محجور را انجام دهد. با این حال، این اختیار مطلق نیست و به عنوان یک قاعده فقهی-حقوقی، هرگونه تصرفی باید در چارچوب مصلحت محجور و با رعایت غبطه^۱ او باشد. به همین دلیل، قانون‌گذار در ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی تصریح کرده که ولی نمی‌تواند اموال غیرمنقول محجور را بفروشد یا به رهن بگذارد، مگر با اجازه دادگاه و در مواردی که این کار ضروری و ناظر به مصلحت محجور تشخیص داده شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۲). این محدودیت، نشان‌دهنده حساسیت قانون‌گذار بر حفظ سرمایه‌های اساسی و آینده مالی کسی است که خود قادر به دفاع از دارایی‌اش نیست.

در کنار ولایت، نهاد حضانت قرار دارد که اگرچه عمدتاً ناظر بر نگهداری و پرورش جسمی و روحی طفل است، اما بُعد اقتصادی آن را نمی‌توان نادیده گرفت. حضانت‌کننده که معمولاً مادر است، مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، حق و تکلیف نگهداری و تربیت طفل را بر عهده دارد. این حق، مشتمل بر دریافت نفقه برای طفل از پدر است، اما در عین حال، مسئولیت مستقیم اداره روزمره امور مالی مربوط به نگهداری طفل را نیز شامل می‌شود. این امر شامل هزینه کرد عادلانه و متعارف وجوهی است که برای نگهداری طفل در اختیارش قرار می‌گیرد. برای مثال، حضانت‌کننده موظف است نفقه دریافت‌شده را صرف خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و آموزش طفل کند، نه امور شخصی خود. با این حال، باید توجه داشت که حضانت‌کننده به طور مستقل اختیار تصرف در خود اموال و دارایی‌های اصلی محجور، مانند فروش سهام یا ملک او را ندارد و این امر در حیطه صلاحیت ولی یا قیم است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۳۵۷) این تفکیک دقیق بین «اداره اموال» و «نگهداری از طفل» از نقاط کلیدی نظام حقوقی ایران است که از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری می‌کند.

اما وقتی ولی وجود نداشته باشد یا صلاحیت خود را از دست بدهد، نهاد قیمومت به میدان می‌آید. قیم که توسط دادگاه و مطابق مقررات قانون امور حسبی انتخاب و نصب می‌شود، شاید دقیق‌ترین و تحت‌الانظارترین نقش اقتصادی را ایفا می‌کند. مسئولیت او تنها به اداره امور جاری محدود نمی‌شود، بلکه موظف است مطابق مواد ۱۲۱۸ و ۱۲۲۴ قانون امور حسبی، در ابتدا صورت جامعی از کلیه اموال منقول و غیرمنقول محجور تهیه کرده و به دادگاه تسلیم کند. این صورت‌برداری اولیه، مبنای نظارت دادگاه بر کل دوران قیمومت خواهد بود. علاوه بر این، قیم موظف است در اداره اموال محجور، «دقت و مراقبت معموله» را به کار بندد، به این معنی که همان میزان از احتیاط و مهارتی را که یک شخص

متعارف در اداره اموال خود به خرج می‌دهد، اعمال نماید. هرگونه معامله مهم اقتصادی به ویژه در مورد اموال غیرمنقول یا سرمایه‌گذاری‌های کلان موکول به کسب اجازه قبلی از دادگاه است (ماده ۱۲۳۵ قانون امور حسبی). حتی قیم مکلف است به صورت دوره‌ای و مطابق ماده ۱۲۴۰ همان قانون، گزارش عملکرد مالی خود را به صورت سالیانه به دادگاه صادرکننده حکم ارائه دهد. این سطح از نظارت، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده‌ای است که قانون‌گذار برای حفظ اموال محجورین در غیاب ولی قائل شده است. در نهایت، پس از رفع حجر، قیم موظف است حساب کلیه تصرفات خود را به محجور یا قائم‌مقام قانونی او ارائه داده و اموال را بازگرداند. (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۱)

اختیارات اقتصادی این نهادها، در یک طیف از اقتدار نسبی تا نظارت شدید قرار می‌گیرد. ولی از استقلال عمل بیشتری برخوردار است، هرچند که این استقلال توسط دادگاه قابل نظارت و بازبینی است. حضانت‌کننده بیشتر بر هزینه‌کرد وجوه مربوط به نگهداری روزمره متمرکز است و قیم در میانه این دو، با اختیارات وسیع اما تحت نظارت دقیق و مستمر قضایی عمل می‌کند. آنچه در تمامی این موارد مشترک و غیرقابل اغماض است، اصل «مصلحت محجور» به عنوان محور و معیار نهایی هرگونه تصمیم و اقدام اقتصادی است. هر تصرفی که خارج از این چارچوب و بدون رعایت غبطه محجور صورت پذیرد، نه تنها قابل پیگرد قانونی است، بلکه مطابق ماده ۱۲۲۷ قانون مدنی می‌تواند به عزل متصرف و الزام او به جبران خسارت وارده به محجور بینجامد. این سازوکار، هرچند که در تئوری به صورت دقیق و محکم تدبیر شده، در عمل با چالش‌های اجرایی و نظارتی متعددی روبروست که موضوع بحث دیگری است.

۱-۱- ولایت پدر و جد پدری بر اموال محجور

ولایت پدر و جد پدری بر اموال محجور، به عنوان یکی از نهادهای بنیادین فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، از جایگاهی ویژه و پیچیده برخوردار است. این ولایت، که به صورت قهری و بدون نیاز به تصویب دادگاه به آنان اعطا شده، نه تنها حق، بلکه مسئولیتی سنگین در قبال حفظ و رشد دارایی‌های مولی‌علیه (محجور) محسوب می‌شود. اساس این ولایت، بر مبنای اصل حمایت از محجور و جلوگیری از تضییع اموال او استوار گردیده و در قوانین موضوعه ایران انعکاس گسترده‌ای یافته است.

مطابق ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی ایران، «طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد» و این ولایت شامل اداره امور مالی و غیرمالی طفل می‌گردد. این اختیار، وسیع و در عین حال مشروط است. پدر و جد پدری به عنوان اولیای قهری، حق اداره کلیه اموال منقول محجور را دارا هستند. این اداره امور، شامل اقداماتی چون وصول مطالبات، دریافت درآمدهای ناشی از اموال (مانند اجاره‌بها)، پرداخت بدهی‌های محجور، و انجام سرمایه‌گذاری‌های متعارف و مطابق با مصلحت او می‌شود. (امامی، حسن،

حقوق مدنی، جلد ۵، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۷) برای مثال، ولی می‌تواند مبلغی از پول محجور را در یک حساب بانکی سپرده‌گذاری کند یا آن را در اموری که سود معقول و خطر کمی دارد، سرمایه‌گذاری نماید.

با این حال، این اختیار در مورد اموال غیرمنقول محجور، با محدودیت‌های شدیدی مواجه است. به موجب ماده ۱۱۸۳ قانون مدنی، «ولی نمی‌تواند در اموال غیرمنقول محجور، هیچ گونه تصرفی که مستلزم انتقال مالکیت یا ایجاد حق برای غیر باشد، مانند فروش یا رهن، بدون اجازه دادگاه صالح انجام دهد». این اجازه دادگاه نیز تنها زمانی صادر می‌شود که ثابت شود این تصرف، ضروری و آشکارا در جهت مصلحت محجور است؛ مثلاً برای پرداخت بدهی فوری و مهم محجور که تأخیر در آن موجب ضرر می‌گردد، یا برای جلوگیری از تضييع کامل مال (مثلاً فروش ملکی که در حال ویرانی است) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۷۴۳). این محدودیت، نشان‌دهنده حساسیت قانون‌گذار بر حفظ سرمایه‌های اساسی و غیرقابل جایگزین محجور است.

مسئولیت اولیای قهری در قبال اموال محجور، تنها به اداره محدود نمی‌شود، بلکه شامل وظیفه حفظ و رشد آن اموال نیز می‌گردد. آنان موظفند با دقت و کاردانی یک شخص متعارف امور مالی مولی‌علیه را اداره کنند. هرگونه تقصیر یا کوتاهی در این امر، که منجر به وارد آمدن خسارت به اموال محجور شود، مسئولیت مدنی و ضمان آور خواهد بود. مطابق ماده ۱۲۲۷ قانون مدنی، «اگر ولی در حفظ اموال مولی‌علیه کوتاهی کند و در نتیجه مالی تلف شود ضامن است». این مسئولیت، حتی می‌تواند در مواردی به عزل ولی نیز بینجامد. (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵)

نکته حائز اهمیت دیگر، نظارت دادگاه بر عملکرد اولیای قهری است. اگرچه آنان برای اداره امور محجور نیاز به اجازه قبلی دادگاه ندارند (برخلاف قیم)، اما این امر به معنای عدم نظارت قضایی نیست. دادستان به نمایندگی از جامعه و به عنوان ناظر بر امور محجورین، این حق را دارد که در صورت اطلاع از هرگونه سوء مدیریت یا تصرف خلاف مصلحت محجور توسط ولی، به دادگاه مراجعه و درخواست رسیدگی و حتی عزل وی را بنماید. این حق در ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی و مواد ۴۵ و ۴۶ قانون امور حسبی پیش‌بینی شده است.

ولایت پدر و جد پدری، اگرچه یک حق طبیعی و قانونی محسوب می‌شود، اما در ذات خود، یک امانت است. محجور، به عنوان یک شهروند که به دلایلی فاقد اهلیت استیفا است، مستحق حمایت کامل قانون قرار گرفته و اولیای قهری او، به عنوان امین، مکلف به ادای این امانت به بهترین شکل ممکن هستند. هرگونه انحراف از مسیر مصلحت محجور، نه تنها ضمان آور است، بلکه می‌تواند به

سلب این حق طبیعی بینجامد. این چارچوب حقوقی، هرچند در تئوری کاملاً مستدل و حمایتی به نظر می‌رسد، عمل با چالش‌های اجرایی و نظارتی متعددی روبرو است که لزوم بازنگری در برخی مکانیزم‌ها را ایجاب می‌کند.

۱-۲- وظایف قیم در اداره و حفظ اموال محجور

وظایف و مسئولیت‌های قیم در اداره و حفظ اموال محجور، به عنوان امینی که از سوی دادگاه انتخاب می‌شود، از جایگاهی بس حساس و خطیر در نظام حقوقی ایران برخوردار است. این مسئولیت‌ها که ریشه در فقه امامیه و قوانین موضوعه دارد، با دقت و جزئیات فراوانی تدوین شده تا از هرگونه تضییع حق محجور جلوگیری به عمل آید. قیم، به موجب قانون، نه تنها موظف به اداره و حفظ اموال است، بلکه باید در جهت رشد و بهره‌وری این اموال نیز بکوشد، به گونه‌ای که مصلحت محجور همواره در کانون توجه او قرار گیرد.

نخستین و بنیادی‌ترین وظیفه قیم، مطابق ماده ۱۲۱۸ قانون امور حسبی، تهیه صورت جامع و دقیق از کلیه اموال منقول و غیرمنقول محجور در ابتدای تحویل گرفتن امور است. این صورت‌برداری باید با دقت فراوان و با ذکر جزئیات کامل تهیه و ظرف یک ماه به دادگاه تسلیم شود. این سند، به عنوان سندی پایه، مبنای نظارت دادگاه بر عملکرد قیم در طول دوران قیمومت خواهد بود و هرگونه کوتاهی در تهیه آن، می‌تواند مسئولیت‌های قانونی برای قیم به همراه داشته باشد. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۱)

پس از مرحله صورت‌برداری، قیم موظف است با «دقت و مراقبت معموله» به اداره اموال محجور بپردازد. این عبارت به این معناست که قیم باید همان اندازه احتیاط و مهارت را به کار برد که یک شخص متعارف در اداره اموال خود به خرج می‌دهد. این اداره امور، شامل وصول مطالبات، دریافت درآمدها (مانند اجاره‌بها)، پرداخت بدهی‌ها، انجام سرمایه‌گذاری‌های معقول و مطابق با مصلحت محجور، و همچنین حفظ و نگهداری عینی اموال از جمله تعمیرات ضروری می‌شود. برای مثال، اگر ملک تجاری متعلق به محجور نیاز به تعمیرات اساسی داشته باشد، قیم موظف است نسبت به انجام آن اقدام کند تا از تضییع مال جلوگیری شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۸۴)

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های قیم، در زمینه تصرف در اموال غیرمنقول و نیز اموال منقول با ارزش قابل توجه است. مطابق ماده ۱۲۳۵ قانون امور حسبی، قیم نمی‌تواند در اموال غیرمنقول محجور (مانند فروش، رهن، صلح) و نیز در اموال منقول مهم (مانند پس‌اندازهای کلان یا سهام) بدون کسب اجازه قبلی از دادگاه تصرف کند. دادگاه نیز تنها در صورتی این اجازه را صادر می‌کند که ثابت شود این تصرف،

ضروری و کاملاً منطبق با مصلحت محجور است؛ مانند فروش ملکی برای پرداخت بدهی‌های فوری محجور یا جلوگیری از ضرر قطعی. (صفایی و امامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۵)

وظیفه دیگر قیم، ارائه گزارش ادواری و سالیانه به دادگاه است. مطابق ماده ۱۲۴۰ قانون امور حسبی، قیم موظف است حداقل سالی یک‌بار حساب عملکرد خود را به دادگاه ارائه دهد و کلیه رسیدها و هزینه‌ها را به طور شفاف توضیح دهد. این گزارش‌دهی منظم، ابزار نظارتی قدرتمندی در اختیار دادگاه قرار می‌دهد تا از انحراف احتمالی قیم از مسیر مصلحت محجور آگاه شود. هرگونه تخلف در ارائه این گزارش یا ارائه گزارش نادرست، می‌تواند موجب عزل قیم مسئولیت جزئی او شود (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱).

وظایف قیم را می‌توان در چهارچوب امانت‌داری تحت نظارت شدید قضایی خلاصه کرد. او مجری صرف نیست، بلکه تصمیم‌گیرنده‌ای است که هر اقدامش باید مبتنی بر مصلحت محجور و با کسب مجوزهای لازم باشد. این سازوکار سخت‌گیرانه، هرچند ممکن است بر دوش قیم سنگینی کند، اما ضامن حفظ حقوق کسی است که به دلیل محجوریت، نمی‌تواند از دارایی خود دفاع کند. با این حال، کارآمدی این نظام در گرو نظارت فعال دادگاه و دقت خود قیم در انجام تعهداتش است.

نخستین و بنیادی‌ترین وظیفه قیم، مطابق ماده ۱۲۱۸ قانون امور حسبی، تهیه صورت جامع و دقیق از کلیه اموال منقول و غیرمنقول محجور در ابتدای تحویل گرفتن امور است. این صورت‌برداری باید با دقت فراوان و با ذکر جزئیات کامل تهیه و ظرف یک ماه به دادگاه تسلیم شود. این سند، به عنوان سندی پایه، مبنای نظارت دادگاه بر عملکرد قیم در طول دوران قیمومت خواهد بود و هرگونه کوتاهی در تهیه آن، می‌تواند مسئولیت‌های قانونی برای قیم به همراه داشته باشد. پس از مرحله صورت‌برداری، قیم موظف است با «دقت و مراقبت معموله» به اداره اموال محجور بپردازد. این عبارت به این معناست که قیم باید همان اندازه احتیاط و مهارت را به کار برد که یک شخص متعارف در اداره اموال خود به خرج می‌دهد. این اداره امور، شامل وصول مطالبات، دریافت درآمدها (مانند اجاره‌بها)، پرداخت بدهی‌ها، انجام سرمایه‌گذاری‌های معقول و مطابق با مصلحت محجور، و همچنین حفظ و نگهداری عینی اموال از جمله تعمیرات ضروری می‌شود. برای مثال، اگر ملک تجاری متعلق به محجور نیاز به تعمیرات اساسی داشته باشد، قیم موظف است نسبت به انجام آن اقدام کند تا از تضییع مال جلوگیری شود.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های قیم، در زمینه تصرف در اموال غیرمنقول و نیز اموال منقول با ارزش قابل توجه است. مطابق ماده ۱۲۳۵ قانون امور حسبی، قیم نمی‌تواند در اموال غیرمنقول محجور (مانند فروش، رهن، صلح) و نیز در اموال منقول مهم (مانند پس‌اندازهای کلان یا سهام) بدون کسب اجازه قبلی از

دادگاه تصرف کند. دادگاه نیز تنها در صورتی این اجازه را صادر می‌کند که ثابت شود این تصرف، ضروری و کاملاً منطبق با مصلحت محجور است؛ مانند فروش ملکی برای پرداخت بدهی‌های فوری محجور یا جلوگیری از ضرر قطعی. (صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۲۹۵) وظیفه دیگر قیم، ارائه گزارش ادواری و سالیانه به دادگاه است. مطابق ماده ۱۲۴۰ قانون امور حسبی، قیم موظف است حداقل سالی یک‌بار حساب عملکرد خود را به دادگاه ارائه دهد و کلیه دریافتی‌ها و هزینه‌ها را به طور شفاف توضیح دهد. این گزارش دهی منظم، ابزار نظارتی قدرتمندی در اختیار دادگاه قرار می‌دهد تا از انحراف احتمالی قیم از مسیر مصلحت محجور آگاه شود. هرگونه تخلف در ارائه این گزارش یا ارائه گزارش نادرست، می‌تواند موجب عزل قیم و حتی مسئولیت جزایی او شود (محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی، چاپ چهاردهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱). دوره قیمومت، یعنی پس از رفع حجر (مانند رسیدن به سن بلوغ یا شفای مجنون)، قیم موظف است مطابق ماده ۱۲۴۴ قانون امور حسبی، صورت حساب نهایی کلیه دریافتی‌ها و پرداختی‌های خود را تهیه و اموال محجور را به او یا قائم مقام قانونی‌اش تحویل دهد. این حساب‌گیری نهایی باید به گونه‌ای باشد که هیچ ابهامی در عملکرد قیم باقی نگذارد. هرگونه کم‌وکاستی یا خسارتی که در نتیجه تقصیر یا بی‌مبالاتی قیم به اموال محجور وارد آمده باشد، باید از سوی او جبران شود.

در تحلیل نهایی، وظایف قیم را می‌توان در چهارچوب امانت‌داری تحت نظارت شدید قضایی خلاصه کرد. او مجری صرف نیست، بلکه تصمیم‌گیرنده‌ای است که هر اقدامش باید مبتنی بر مصلحت محجور و با کسب مجوزهای لازم باشد. این سازوکار سخت‌گیرانه، هرچند ممکن است بر دوش قیم سنگینی کند، اما ضامن حفظ حقوق کسی است که به دلیل محجوریت، نمی‌تواند از دارایی خود دفاع کند. با این حال، کارآمدی این نظام در گرو نظارت فعال دادگاه و دقت خود قیم در انجام تعهداتش است.

۳-۱- از منظر فقه

قاعده فقهی "لزوم رعایت غبطه محجور" نیز از ارکان مهم این نظام است. شهید اول در کتاب القواعد والفوائد تصریح می‌کند که ولی باید مصلحت محجور را در هر تصرف مالی ملاک عمل قرار دهد و هرگونه اقدام بدون رعایت مصلحت، موجب ضمان خواهد بود. (شهید اول، ۱۴۰۰، ص ۱۸۶) این نظر مورد تأیید فقهای امامیه قرار گرفته و در آثار فقهی متأخرین نیز به تفصیل بررسی شده است. در زمینه ضمانت‌های اجرایی، قاعده "ضمان ید" نقش محوری ایفا می‌کند. این قاعده که از روایت "علی الید ما اخذت حتی تودی" استنباط می‌شود، متصرفان اموال محجورین در صورت تقصیر، مسئول جبران

خسارات هستند. محقق حلی در شرایع الاسلام تأکید می‌کند که این ضمان شامل کلیه صور تقصیر اعم از تعدی و تفریط می‌شود. (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۵)

مسئله مهم دیگر، ممنوعیت "اکل مال به باطل" است که از آیه ۱۸۸ سوره بقره استنباط می‌شود. فقها با استناد به این آیه، هرگونه بهره‌برداری شخصی از اموال محجور را ممنوع دانسته‌اند. صاحب جواهر الکلام در این زمینه تصریح می‌کند که حتی استفاده جزئی و بدون ضرر نیز اگر بدون اذن شرعی باشد، حرام است. (نجفی، ۱۳۹۲ق، ص ۳۱۲)

در مورد نظارت بر عملکرد متصرفان، قاعده "السلطان ولی من لا ولی له" مبنای فقهی مناسبی فراهم می‌آورد. این قاعده که مورد اتفاق فقهای امامیه است، مسئولیت نظارتی حکومت اسلامی بر امور محجورین را توجیه می‌کند. امام خمینی در کتاب البیع بر این نکته تأکید می‌کند که نظارت بر اموال محجورین از وظایف حاکم اسلامی است. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۲۳)

قاعده "حرمت اعانه بر اثم" نیز در این زمینه حائز اهمیت است. این قاعده، هرگونه مساعدت به متصرفان در انجام اعمال خلاف شرع، حرام است. این موضوع به ویژه در مورد کارشناسان و مشاورانی که در تصرفات ناروا مشارکت می‌کنند، مصداق پیدا می‌کند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۴۲۷)

در پایان باید به قاعده "العیان محفوظه بالضمان" اشاره کرد که بر اساس آن، متصرف باید عین اموال را حفظ کند و در صورت تلف، ضامن خواهد بود. این قاعده به ویژه در مورد اموال منقول که امکان دارند، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. (خویی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۸۹)

این قواعد فقهی در کنار یکدیگر نظام جامعی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند مبنای مناسبی برای تقویت سازوکارهای نظارتی در نظام حقوقی ایران باشد. البته لازم است این قواعد با توجه به مقتضیات زمان و مکان و با استفاده از ظرفیت‌های فقه پویا تطبیق و اجرا شوند.

۲- چالش‌های اقتصادی در اجرای قوانین حضانت، ولایت و قیمومت

با وجود آنکه قوانین مربوط به حضانت، ولایت و قیمومت در ایران با دقت و جزئیات فراوانی تدوین شده‌اند، اجرای این قوانین در عمل با چالش‌های اقتصادی متعددی روبرو است که تأثیر مستقیمی بر حفظ و رشد اموال محجورین دارد. این چالش‌ها عمدتاً ناشی از نقص در سازوکارهای نظارتی، کمبود منابع مالی و انسانی، و پیچیدگی‌های ذاتی در مدیریت امور محجورین است.

یکی از عمده‌ترین چالش‌ها، هزینه‌های سنگین نظارت قضایی بر عملکرد اولیا و قیم‌هاست. مطابق مواد متعدد قانون امور حسبی، دادگاه‌ها موظف به نظارت مستمر بر عملکرد قیم‌ها هستند که این امر مستلزم

صرف زمان و نیروی انسانی قابل توجهی است. برای مثال، بررسی گزارش‌های سالیانه مالی قیم‌ها، رسیدگی به درخواست‌های تصرف در اموال غیرمنقول، و بررسی صورت‌های اولیه اموال، همگی نیازمند تخصص مالی و حقوقی هستند که در عمل، دادگاه‌ها اغلب با کمبود این تخصص مواجه می‌شوند. این کمبود منجر به تأخیر در صدور مجوزهای لازم یا نظارت ناکافی می‌شود که ممکن است به ضرر محجور تمام شود. (حق خواه، ۱۳۹۰، صص ۲۹-۳۰)

چالش دیگر، فقدان سازوکارهای کارآمد برای نظارت بر ولایت قهری است. برخلاف قیم که تحت نظارت شدید دادگاه قرار دارد، اولیای قهری (پدر و جد پدری) برای بسیاری از تصرفات مالی نیاز به اخذ مجوز قبلی ندارند. این امر اگرچه تا حدی به دلیل اعتماد قانون‌گذار به مصلحت‌اندیشی آنان است، اما در عمل می‌تواند منجر به سوءاستفاده یا تصمیم‌گیری‌های نابردانه شود. برای نمونه، ممکن است ولی قهری بدون در نظرگیری مصلحت محجور، در اموال منقول او تصرفاتی انجام دهد که هرچند ظاهراً قانونی است، اما در بلندمدت به زیان محجور باشد. (یزدانی، ۱۳۹۷، ص ۸۷)

هزینه‌های ناشی از تأخیر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نیز از جمله چالش‌های مهم است. با توجه به لزوم کسب مجوز از دادگاه برای بسیاری از تصرفات مالی مهم، مانند فروش اموال غیرمنقول یا سرمایه‌گذاری‌های کلان، تأخیر در فرآیند رسیدگی دادگاه‌ها ممکن است موجب از دست رفتن فرصت‌های اقتصادی ارزشمند شود. این مسئله در شرایط تورمی یا نوسانات بازار می‌تواند آثار زیانبارتری داشته باشد. کمبود منابع مالی محجورین برای هزینه‌های جاری نیز مشکل دیگری است. در مواردی که محجور فاقد درآمد کافی باشد، قیم یا ولی باید هزینه‌های نگهداری و حفظ اموال را از محل دیگری تأمین کند. این امر می‌تواند منجر به فروش بخشی از اموال یا استقراض شود که خود نیاز به مجوز دادگاه دارد و فرآیند پیچیده‌ای را می‌طلبد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰)

مسئله تضاد منافع نیز از چالش‌های پنهان اما تأثیرگذار است. در برخی موارد، ولی یا قیم ممکن است بین مصلحت محجور و منافع شخصی خود دچار تعارض شود. برای مثال، ممکن است قیم ترجیح دهد منابع مالی محجور را در محلی سرمایه‌گذاری کند که برای خودش سود دارد، نه جایی که بهترین منافع محجور را تأمین می‌کند. کشف این گونه تضاد منافع برای دادگاه دشوار است. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸)

ضعف در سیستم گزارش‌دهی و شفافیت مالی مشکل بزرگی است. بسیاری از قیم‌ها به دلیل عدم آگاهی از تعهدات قانونی یا نداشتن دسترسی به ابزارهای مناسب، گزارش‌های مالی را به صورت ناقص یا غیرحرفه‌ای تهیه می‌کنند. این امر نظارت دادگاه را با مشکل مواجه کرده و امکان سوءاستفاده را افزایش

می‌دهد). صفایی، پیشین، ص ۳۰۵). برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی مانند ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی، استفاده از سامانه‌های الکترونیک برای گزارش‌دهی، آموزش اولیا و قیم‌ها، و تعیین آستانه‌های مالی برای سطوح مختلف نظارت پیشنهاد شده است. با این حال، تحقق این راهکارها نیازمند تخصیص منابع مالی و عزم جدی خواهد بود.

۲-۱- نقاط ضعف نظارتی بر عملکرد ولی و قیم در امور مالی

با بررسی قوانین مربوط به حضانت، ولایت و قیمومت از منظر اقتصادی، می‌توان دریافت که این نهادها علاوه بر ابعاد حقوقی، تأثیرات اقتصادی قابل توجهی بر نظام حقوقی کشور و نیز بر اموال محجورین دارند. از دیدگاه اقتصادی، مهم‌ترین چالش، هزینه‌های سنگین نظارتی است که بر دوش سیستم قضایی قرار می‌گیرد. به موجب مواد متعدد قانون امور حسبی، دادگاه‌ها موظف به نظارت مستمر بر عملکرد اولیا و قیم‌ها هستند که این امر مستلزم صرف زمان، نیروی انسانی متخصص و منابع مالی قابل توجهی است. برای نمونه، بررسی گزارش‌های سالیانه مالی، رسیدگی به درخواست‌های تصرف در اموال غیرمنقول و بررسی صورت‌های اولیه اموال، نیازمند تخصص مالی و حقوقی است که در عمل، دادگاه‌ها اغلب با کمبود این تخصص مواجه می‌شوند. این کمبودها نه تنها موجب تأخیر در صدور مجوزهای لازم می‌شود، بلکه ممکن است به کاهش کیفیت نظارت و در نتیجه افزایش ریسک سوءمدیریت در اموال محجورین بینجامد. از سوی دیگر، ساختار ولایت قهری نیز از نظر اقتصادی با چالش‌های خاصی روبرو است. برخلاف قیم که تحت نظارت شدید دادگاه قرار دارد، اولیای قهری برای بسیاری از تصرفات مالی نیاز به اخذ مجوز قبلی ندارند. این امر اگرچه تا حدی به دلیل اعتماد قانون‌گذار به مصلحت‌اندیشی آنان است، اما در عمل می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نابخردانه اقتصادی شود. برای مثال، ممکن است ولی قهری بدون در نظرگیری مصلحت محجور، در اموال منقول او تصرفاتی انجام دهد که هرچند ظاهراً قانونی است، اما در بلندمدت به زیان محجور باشد. چنین تصمیم‌هایی ممکن است باعث کاهش ارزش دارایی‌های محجور یا از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور شود. (پورمسجدیان و عباسی، ۱۳۹۶)، ص ۱۴۱).

مسئله تضاد منافع نیز از دیدگاه اقتصادی حائز اهمیت است. در برخی موارد، ولی یا قیم ممکن است بین مصلحت محجور و منافع شخصی خود دچار تعارض شود. این تضاد منافع می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نادرست شود که به زیان محجور تمام می‌شود. برای مثال، ممکن است قیم ترجیح دهد منابع مالی محجور را در محلی سرمایه‌گذاری کند که برای خودش سود دارد، نه جایی که

بهترین منافع محجور را تأمین می‌کند. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۳۲۸) کشف این گونه تضاد منافع برای دادگاه دشوار است و نیاز به سازوکارهای نظارتی پیچیده و پرهزینه دارد.

ضعف در سیستم گزارش‌دهی و شفافیت مالی نیز از جمله عوامل افزایش هزینه‌های نظارتی است. بسیاری از قیّم‌ها به دلیل عدم آگاهی از تعهدات قانونی یا نداشتن دسترسی به ابزارهای مناسب، گزارش‌های مالی را به صورت ناقص یا غیرحرفه‌ای تهیه می‌کنند. این امر نه تنها نظارت دادگاه را با مشکل مواجه می‌کند، بلکه امکان سوءاستفاده را افزایش می‌دهد (صفایی، پیشین، ص ۳۰۵). برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی مانند ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی، استفاده از سامانه‌های الکترونیک برای گزارش‌دهی، آموزش اولیا و قیّم‌ها، و تعیین آستانه‌های مالی برای سطوح مختلف نظارت پیشنهاد شده است. با این حال، تحقق این راهکارها نیازمند تخصیص منابع مالی و عزم جدی خواهد بود.

۲-۲- تضاد منافع و سوءاستفاده از اموال محجورین

تضاد منافع در مدیریت اموال محجورین عمدتاً ناشی از موقعیت دوگانه‌ای است که اولیا و قیّم‌ها در آن قرار می‌گیرند. از یک سو، آنان به عنوان امین و نماینده قانونی محجور موظف به حفظ و افزایش دارایی‌های او هستند و از سوی دیگر، ممکن است منافع شخصی خود را در تعارض با مصالح محجور ببینند. این تعارض در موارد متعددی قابل مشاهده است؛ برای مثال، وقتی ولی قهری با مشکلات مالی شخصی مواجه می‌شود، ممکن است از اموال محجور برای رفع نیازهای خود استفاده کند. چنین رفتاری اگرچه در قالب وام یا قرض صورت می‌گیرد، ولی غالباً بدون رعایت ضوابط قانونی و بدون اخذ مجوز از دادگاه انجام می‌شود. (امامی، ۱۳۹۳، ص ۲۴۹)

یکی از مصادیق مهم سوءاستفاده، انجام معاملات خودمعامله‌ای است که در آن ولی یا قیّم، اموال محجور را به خود یا بستگان نزدیکش منتقل می‌کند. هرچند ماده ۱۲۳۳ قانون مدنی چنین معاملاتی را باطل می‌داند، ولی اثبات سوءنیت در دادگاه دشوار است و در عمل، بسیاری از این موارد کشف نمی‌شوند. از منظر اقتصادی، تضاد منافع منجر به تخصیص ناکارآمد منابع می‌شود. وقتی ولی یا قیّم، اموال محجور را در طرح‌های کم‌بازده یا پرریسک سرمایه‌گذاری می‌کند که منافع شخصی او را تأمین می‌کند، در واقع باعث کاهش ارزش دارایی‌های محجور می‌شود. این مسئله به ویژه در مورد اموال غیرمنقول مشهود است، جایی که ممکن است ولی از فروش یا اجاره ملک به قیمت بازار خودداری کند تا خودش از آن استفاده کند. (علی آبادی، عبدالصمد، خوشنودی، هادی و صالحی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۳)

ضعف در مکانیزم‌های نظارتی نیز به تشدید این مشکل دامن می‌زند. مطابق ماده ۱۲۴۸ قانون امور حسبی، دادستان می‌تواند به منظور حفظ اموال محجورین، در امور مربوط به قیمومت دخالت کند، ولی در عمل،

به دلیل کمبود نیروی انسانی متخصص و حجم بالای پرونده‌ها، این نظارت به صورت مؤثر انجام نمی‌شود. این امر باعث می‌شود بسیاری از موارد سوءاستفاده و تضاد منافع کشف نشده باقی بمانند. مسئله دیگر، فقدان شفافیت اطلاعاتی است. اولیا و قیم‌ها ملزم به ارائه گزارش‌های دقیق و به موقع از عملکرد مالی خود نیستند و این امر تشخیص موارد سوءاستفاده را دشوار می‌کند. حتی در مواردی که گزارش‌هایی ارائه می‌شود، به دلیل عدم تخصص کافی کارکنان دادگاه در امور مالی، این گزارش‌ها به دقت بررسی نمی‌شوند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۵)

برای کاهش این چالش‌ها، راهکارهای متعددی پیشنهاد شده است. ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی مستقل از دادگاه‌های عمومی، استفاده از سیستم‌های الکترونیک برای ثبت و رصد کلیه نقل و انتقالات مالی، الزام به ارائه تضمین مالی از سوی قیم‌ها، و افزایش آگاهی عمومی از حقوق محجورین از جمله این راهکارها هستند. همچنین پیشنهاد شده است که برای امور مالی پیچیده، استفاده از خدمات مؤسسات تخصصی مدیریت دارایی الزامی شود. (امامی، پیشین، ص ۲۵۰)

۳- راهکارهای حمایتی و پیشنهادی

با توجه به چالش‌های موجود در نظام ولایت، حضانت و قیمومت، راهکارهای حقوقی متعددی را می‌توان در چارچوب قوانین فعلی و با الهام از اصول فقهی ارائه نمود. این راهکارها عمدتاً بر پایه تقویت سازوکارهای نظارتی، شفاف‌سازی فرآیندها و افزایش مسئولیت‌پذیری نهادهای مربوطه استوار است:

نخستین راهکار، تدوین آیین‌نامه اجرایی دقیق برای نظارت بر ولایت قهری است. با توجه به ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی که نظارت بر اداره اموال محجور را برای دادگاه مقرر می‌دارد، می‌توان سازوکارهای مشخصی برای نظارت مستمر بر عملکرد ولی قهری تعریف کرد. این آیین‌نامه می‌تواند شامل ارائه گزارش ادواری، اخذ تضمین مالی و ایجاد سامانه ثبت الکترونیک کلیه تصرفات مالی باشد.

راهکار دوم، تعریف دقیق مصادیق تصرفات غیرمجاز و تضمین کیفری آن است. مطابق ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی، هرگونه تصرف غیرقانونی در اموال محجور جرم محسوب می‌شود، اما نیاز به تعریف دقیق‌تری از مصادیق دارد. الحاق تبصره‌هایی به این ماده که مواردی مانند خودمعاملگی، معاملات با اقارب و معاملات بدون مجوز را به طور شفاف جرم‌انگاری کند، می‌تواند مانع سوءاستفاده شود.

سومین راهکار، ایجاد نهاد دایمی ناظر در قوه قضائیه است. با استفاده از اختیارات رئیس قوه قضائیه در تشکیل نهادهای تخصصی، می‌توان مرکزی مستقل برای نظارت بر امور محجورین ایجاد کرد. این مرکز

می‌تواند با بهره‌گیری از کارشناسان مالی و حقوقی، بر عملکرد کلیه اولیا و قیم‌ها نظارت سیستماتیک داشته باشد.

راهکار چهارم، الزام به اخذ تضمین مالی از کلیه متصرفان اموال محجور است. بر اساس ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی، دادگاه می‌تواند از قیم تضمین بگیرد، اما این امر باید برای کلیه موارد، ولایت قهری، تعمیم یابد. تعیین انواع تضمین‌های قابل قبول (از جمله ضمانت نامه بانکی، سفته و وثیقه ملکی) نیز باید در قانون پیش‌بینی شود. (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۳۴۵)

پنجمین راهکار، تعیین سازوکار دقیق برای جبران خسارات وارده است. مطابق ماده ۱۲۲۷ قانون مدنی، اولیا و قیم‌ها مسئول جبران خسارات ناشی از تقصیر هستند، اما نیاز به ایجاد صندوق جبران خسارت برای مواردی است که متصرف قادر به جبران نیست. این صندوق می‌تواند با مشارکت نهادهای عمومی و تحت نظارت دادگاه تشکیل شود (جعفری لنگرودی، همان، ص ۲۹۵).

ششمین راهکار، ایجاد سیستم یکپارچه اطلاعاتی محجورین است. با استفاده از ظرفیت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه، می‌توان سامانه الکترونیکی یکپارچه‌ای ایجاد کرد که کلیه اطلاعات مربوط به محجورین، اولیا، قیم‌ها و کلیه تصرفات مالی را ثبت و ضبط کند. این سامانه باید به صورت شبانه‌روزی در دسترس مراجع قضایی مربوطه باشد (صفایی، پیشین، ص ۳۳۰).

هفتمین راهکار، تدوین استانداردهای حرفه‌ای برای قیم‌ها است. با الهام از ماده ۱۲۱۸ قانون امور حسبی، می‌توان شرایط تخصصی و حرفه‌ای برای تصدی قیمومت تعریف کرد. برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری، اخذ آزمون تخصصی و اعطای پروانه اشتغال می‌تواند از جمله این شرایط باشد. (امامی، پیشین، ص ۲۶۵)

این راهکارهای حقوقی که در چارچوب قوانین موجود و با استفاده از ظرفیت‌های قانونی پیش‌بینی شده، می‌تواند تا حد زیادی از چالش‌های موجود بکاهد. البته اجرای موفقیت‌آمیز این راهکارها مستلزم عزم جدی قوه قضائیه و همکاری نهادهای مربوطه است.

۳-۱- پیشنهاد اصلاح قوانین موجود برای افزایش نظارت

در راستای تحکیم مبانی نظارتی نظام ولایت، حضانت و قیمومت و با هدف کاهش چالش‌های اقتصادی موجود، پیشنهادات اصلاحی متعددی را می‌توان در چارچوب نظام حقوقی ایران ارائه نمود. این پیشنهادات با الهام از اصول فقهی و با در نظرگیری ظرفیت‌های قانونی موجود تشکیل شده‌اند. اصلاح ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی به منظور تعریف سازوکارهای دقیق نظارتی بر ولایت قهری از جمله نخستین

پیشنهادهای است. در این راستا، الحاق تبصره‌هایی به این ماده ضروری به نظر می‌رسد که دادگاه را مکلف به نظارت فعال بر عملکرد ولی قهری نماید. این نظارت می‌بایست شامل دریافت گزارش‌های ادواری مالی، بررسی ترازنامه سالیانه و اعطای مجوز برای تصرفات مهم مالی باشد. بر اساس قاعده فقهی "الحفاظه علی مال الیتیم" این نظارت می‌بایست مستمر و مؤثر باشد. (مومنی و صالحی رزوه، ۱۳۹۹)

تدوین آیین‌نامه اجرایی ویژه برای ماده ۱۲۳۴ قانون مدنی نیز از جمله پیشنهادات کلیدی است. این آیین‌نامه می‌تواند شرایط اخذ تضمین مالی از قیم‌ها را به صورت شفاف تعیین نموده و انواع تضمین‌های قابل قبول (ضمانت نامه بانکی، سفته، وثیقه ملکی) را مشخص کند. همچنین می‌بایست سازوکارهای نظارتی بر اجرای این ماده تقویت گردد تا از اخذ تضمین‌های نامناسب یا ناکافی جلوگیری شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۲۳۶)

اصلاح قانون امور حسبی در بخش مربوط به نظارت بر قیم‌ها نیز از ضروریات است. الحاق موادی جدید به این قانون که به دادگاه اجازه دهد در موارد خاص، ناظرین تخصصی مالی را برای نظارت بر عملکرد قیم‌ها تعیین کند، می‌تواند کارایی نظام نظارتی را افزایش دهد. این ناظرین می‌توانند از بین کارشناسان رسمی دادگستری یا مؤسسات تخصصی مالی انتخاب شوند. ایجاد مکانیزم نظارتی یکپارچه الکترونیکی نیز از جمله پیشنهادات نوین است. با استفاده از ظرفیت ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه، می‌توان سامانه‌ای ایجاد کرد که کلیه اطلاعات مربوط به محجورین، اولیا، قیم‌ها و کلیه تصرفات مالی را ثبت و ضبط نماید. این سامانه می‌بایست به گونه‌ای طراحی شود که امکان نظارت لحظه‌ای مراجع قضایی را فراهم آورده و هشدارهای لازم را در موارد مشکوک صادر کند. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۳۱۹)

تعیین استانداردهای حرفه‌ای برای تصدی قیمومت نیز از جمله پیشنهادات اصلاحی مهم است. بر اساس ماده ۱۲۱۸ قانون امور حسبی، می‌توان شرایط تخصصی و حرفه‌ای برای تصدی قیمومت تعریف نمود. برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری، اخذ آزمون تخصصی و اعطای پروانه اشتغال می‌تواند از جمله این شرایط باشد. این امر با استناد به قاعده فقهی "الشرط المتأخر كالشرط المتقدم" قابل توجیه است. تقویت ضمانت‌های اجرایی نیز از جمله پیشنهادات کلیدی است. الحاق تبصره‌هایی به ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی که به طور مشخص مصادیق سوءاستفاده از اموال محجورین را تعریف کند، می‌تواند بازدارندگی لازم را ایجاد نماید. همچنین تعیین مجازات‌های تکمیلی مانند محرومیت از تصدی امور مالی می‌تواند مؤثر باشد. (گیلدهی، ۱۴۰۰، ص ۵۷)

ایجاد صندوق جبران خسارت محجورین نیز از جمله پیشنهادات نوآورانه است. این صندوق می‌تواند با مشارکت نهادهای عمومی و تحت نظارت دادگاه تشکیل شده و در مواردی که متصرف قادر به جبران

خسارت نیست، وارد عمل شود. این نهاد با الهام از قاعده فقهی "الضرر یزال" قابل توجیه است.). کاتوزیان، پیشین، ص ۲۲۰

۳-۲- الزام به ارائه دوره‌های گزارش‌دهی مالی منظم به دادگاه

در نظام حقوقی ایران، الزام به ارائه دوره‌ای گزارش‌دهی مالی منظم به دادگاه را می‌توان به عنوان یکی از کلیدی‌ترین سازوکارهای نظارتی در زمینه ولایت، حضانت و قیمومت مورد بررسی قرار داد. این الزام که ریشه در اصول فقهی "حفظ مال صغیر" و "منع تضییع مال" دارد، نیازمند بسترهای حقوقی دقیق و جامعی است تا بتواند به صورت مؤثر از حقوق اقتصادی محجورین صیانت کند. از منظر فقهی، بر اساس قاعده "الحفاظه علی مال الیتیم" که در منابع متعدد فقهی مورد تأکید قرار گرفته، ولی و قیم موظف به حفظ و رشد اموال محجور بوده و این مسئولیت مستلزم ارائه حساب و کتاب منظم است. این قاعده که از آیات قرآن کریم از جمله آیه ۱۲۷ سوره انعام استنباط می‌شود، بر لزوم نظارت مستمر بر اموال محجورین تأکید دارد. (محقق داماد، ۱۳۹۲، ص ۳۶۵)

در چارچوب حقوقی فعلی، ماده ۱۲۴۰ قانون امور حسبی مقرر می‌دارد: "قیم باید حداقل سالی یک مرتبه حساب دوره تصدی خود را به دادگاه بدهد." این ماده اگرچه قدمی مثبت است، اما به دلیل کلی بودن و عدم تعیین سازوکارهای دقیق اجرایی، در عمل با چالش‌های متعددی روبرو است. برای مثال، محتوای گزارش، شکل ارائه آن، استانداردهای حسابداری لازم‌الرعايه و ضمانت‌های اجرایی عدم ارائه گزارش به درستی تعیین نشده‌اند. (صفایی، ۱۳۹۰، ص ۳۴) برای اجرای مؤثر این الزام، پیشنهاد می‌شود آیین‌نامه اجرایی جامعی تدوین گردد که شامل موارد زیر باشد:

نخست، تعیین محتوای دقیق گزارش‌های مالی که می‌بایست شامل ترازنامه، صورت درآمد و هزینه، فهرست دارایی‌ها و بدهی‌ها، گزارش عملکرد سرمایه‌گذاری‌ها و ثبت کلیه معاملات انجام شده باشد. این گزارش‌ها باید مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده و توسط حسابدار رسمی مورد تأیید دادگاه تایید شود. (نقیب‌القرابنادکی، ۱۴۰۲، ص ۳۵)

دوم، تعیین بازه‌های زمانی گزارش‌دهی که علاوه بر گزارش سالیانه، برای موارد خاص مانند معاملات بزرگ یا تغییرات عمده در دارایی‌ها، گزارش‌های فوری نیز پیش‌بینی شود. برای محجورین با دارایی‌های قابل توجه، ارائه گزارش‌های سه‌ماهه نیز می‌تواند ضروری باشد. (لنگرودی، همان، ص ۴۶)

سوم، ایجاد سامانه الکترونیک یکپارچه برای ثبت و پردازش گزارش‌ها که امکان نظارت مستمر دادگاه و نهادهای نظارتی را فراهم آورد. این سامانه می‌تواند شامل امکان ثبت آنلاین معاملات، اخطار خودکار برای گزارش‌های معوق و تحلیل خودکار اطلاعات مالی باشد.

چهارم، تعیین ضمانت‌های اجرایی مؤثر برای عدم ارائه گزارش یا ارائه گزارش نادرست. این ضمانت‌ها می‌تواند شامل جریمه نقدی، عزل از سمت قیمومت، محرومیت از تصدی امور مالی در آینده و حتی مسئولیت کیفری در موارد شدید باشد. ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند با الحاق تبصره‌هایی در این زمینه تقویت شود (صفایی، پیشین، ص ۳۴۵).

پنجم، آموزش الزامی قیم‌ها و اولیا در زمینه اصول گزارش‌دهی مالی و مقررات مربوطه. برگزاری دوره‌های آموزشی منظم و آزمون تخصصی می‌تواند ضامن اجرای صحیح این الزامات باشد.

ششم، تعیین نهاد ناظر مستقل برای رسیدگی به گزارش‌های مالی که می‌تواند زیر نظر دادگاه و با مشارکت حسابداران رسمی و کارشناسان مالی تشکیل شود. این نهاد می‌تواند به صورت مستمر گزارش‌ها را بررسی و در موارد مشکوک به دادگاه اطلاع دهد. (سعید بیگدلی، ۱۳۹۰، ص ۳).

هفتم، پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی برای محجورینی که اولیا یا قیم آنان توانایی مالی برای تهیه گزارش‌های حرفه‌ای ندارند. ایجاد صندوق حمایتی که هزینه‌های تهیه گزارش‌های مالی را برای این موارد تقبل کند، می‌تواند از عدالت اجرایی اطمینان ایجاد کند. (محقق داماد، پیشین، ص ۳۶۰).

۴-۲- ارائه راهکارهای فقهی برای حل چالش‌ها

با توجه به مبانی فقهی ناظر بر ولایت، حضانت و قیمومت، راهکارهای متعددی را می‌توان برای ارتقای نظام مدیریت اموال محجورین پیشنهاد نمود. نخستین راهکار، احیای نهاد حسبه با رویکرد نوین است. این نهاد که در فقه اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، می‌تواند با مسئولیت نظارت بر امور محجورین احیا گردد. بر اساس نظر محقق حلی در شرایع الاسلام، "الحسبه من باب الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر" و شامل نظارت بر امور عمومی از جمله اموال یتیمان می‌شود. (محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۲۲۳) این نهاد می‌تواند با بهره‌گیری از کارشناسان فقهی و مالی، به صورت مستمر بر عملکرد اولیا و قیم‌ها نظارت کند.

راهکار دوم، استفاده از ظرفیت قاعده الاقرب فالاقرب در تعیین متصرفان است. این قاعده فقهی که مورد تأیید فقهای امامیه است، در موارد متعدد، افراد نزدیک‌تر نسبت به دورتر اولویت دارند. این قاعده

می‌تواند مبنای مناسبی برای تعیین اولیای دارای صلاحیت‌های مالی باشد. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۵، ص ۳۲۵).

سومین راهکار، اجرای دقیق قاعده لاضرر در مدیریت اموال است. بر اساس این قاعده که از روایت مشهور "لاضرر و لاضرار فی الإسلام" استنباط می‌شود، هرگونه تصرفی که موجب ضرر به محجور شود، ممنوع است. این قاعده می‌تواند مبنای مناسبی برای نظارت بر سرمایه‌گذاری‌ها و معاملات مربوط به اموال محجورین باشد. (امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۵)

راهکار چهارم، توسعه دایره شمول قاعده ضمان ید است. بر اساس این قاعده، متصرفان اموال محجورین در صورت هرگونه تقصیر، ضامن هستند. این قاعده می‌تواند شامل مشاوران و کارشناسانی شود که در تصمیم‌گیری‌های مالی مشارکت داشته‌اند. (خویی، مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۱۹۵)

پنجمین راهکار، استفاده از ظرفیت قاعده قرعه در موارد تراحم است. در مواردی که چندین گزینه سرمایه‌گذاری با درجه یکسانی از مصلحت وجود دارد، می‌توان از قاعده قرعه برای انتخاب استفاده کرد. این روش در فقه امامیه برای رفع تراحم مورد تأیید قرار گرفته است. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۳، ص ۱۸۷)

ششمین راهکار، اجرای قاعده الید امانه در نظارت بر تصرفات است. بر اساس این قاعده، دست متصرف امانت بوده و در صورت تعدی یا تفریط، ضمانت دارد. این قاعده می‌تواند مبنای مناسبی برای نظارت مستمر بر عملکرد متصرفان باشد. (فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعه، ج ۱، ص ۴۳۵)

هفتمین راهکار، استفاده از ظرفیت بیع شرط در سرمایه‌گذاری‌های مطمئن است. این شیوه که در فقه امامیه به رسمیت شناخته شده، می‌تواند برای سرمایه‌گذاری‌های کم‌ریسک مورد استفاده قرار گیرد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۳).

نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد اقتصادی نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت در نظام حقوقی ایران، می‌توان دریافت که این نهادها با وجود پشتوانه محکم فقهی و حقوقی، با چالش‌های اقتصادی متعددی روبرو هستند که ضرورت بازنگری و تقویت سازوکارهای اجرایی را ایجاب می‌کند. مهم‌ترین چالش‌های شناسایی شده را می‌توان در چند محور اصلی خلاصه نمود: نخست، ضعف نظام نظارتی بر عملکرد اولیا و قیم‌ها که ناشی از کمبود امکانات، نیروی انسانی متخصص و سازوکارهای نوین نظارتی است. دوم، فقدان شفافیت اطلاعاتی و گزارش‌دهی منظم که امکان رصد دقیق تصرفات مالی را دشوار می‌سازد. سوم، هزینه‌های سنگین نظارتی

که بر دوش سیستم قضایی قرار دارد و چهارم، مسئله تضاد منافع که در موارد متعددی به سوءاستفاده از اموال محجورین منجر می‌شود. از منظر فقهی، این چالش‌ها با اصولی همچون "حفظ مال صغیر"، "منع تضییع مال" و "لزوم رعایت غبطه محجور" در تعارض است. از دیدگاه اقتصادی نیز این نارسایی‌ها منجر به تخصیص ناکارآمد منابع، کاهش ارزش دارایی‌های محجورین و در نهایت، اتلاف ثروت ملی می‌شود. برای فائق آمدن بر این چالش‌ها، راهکارهای متعددی پیشنهاد می‌شود که مهم‌ترین آنها استقرار نظام گزارش‌دهی مالی منظم و الکترونیکی، ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی، آموزش اجباری اولیا و قیم‌ها، تعیین استانداردهای حرفه‌ای برای تصدی قیمومت، تقویت ضمانت‌های اجرایی و در نهایت، ایجاد صندوق حمایت از محجورین است.

اجرای این راهکارها مستلزم همکاری نهادهای مختلف قضایی، تقنینی و اجرایی است. قوه قضائیه می‌تواند با استفاده از اختیارات موجود، آیین‌نامه‌های اجرایی لازم را تصویب کند. مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند با اصلاح قوانین موجود، بسترهای حقوقی لازم را فراهم آورد. همچنین، دستگاه‌های اجرایی می‌توانند با تأمین منابع مالی و فنی، زمینه اجرای این طرح‌ها را مهیا سازند.

نکته حائز اهمیت آنکه، تحقق این راهکارها نه تنها باعث حفظ بهتر اموال محجورین و افزایش کارایی نظام اقتصادی می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای قضایی و حقوقی را نیز تقویت خواهد کرد. این امر به نوبه خود، زمینه ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور خواهد بود. بنابراین، سرمایه‌گذاری در جهت اصلاح و تقویت این نهادها، اگرچه در کوتاه‌مدت مستلزم هزینه‌هایی است، اما در بلندمدت منافع اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی را به همراه خواهد داشت.

جمع‌بندی یافته‌ها در حوزه ابعاد اقتصادی نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که این نهادها علی‌رغم برخورداری از پشتوانه‌های فقهی محکم، با چالش‌های ساختاری عمیقی مواجه هستند. مهم‌ترین مسئله، شکاف میان مبانی نظری غنی و سازوکارهای اجرایی ناکارآمد است که موجب شده نظام نظارتی موجود نتواند به طور مؤثر از حقوق اقتصادی محجورین صیانت کند. از جمله خلأهای بارز حقوقی می‌توان به عدم شفافیت در الزامات گزارش‌دهی مالی، ضعف در مکانیزم‌های نظارتی فعال، فقدان استانداردهای حرفه‌ای برای مدیریت اموال و نبود ضمانت‌های اجرایی کافی اشاره کرد. این نقایص ساختاری در عمل به تضییع حقوق اقتصادی محجورین منجر شده و در مواردی باعث اتلاف منابع ملی می‌شود. به ویژه در موارد ولایت قهری که نظارت دادگاه محدودتر است، امکان سوءاستفاده از اموال محجورین افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، هزینه‌های سنگین نظارتی نیز موجب شده تا سیستم قضایی نتواند به صورت مؤثر بر عملکرد کلیه متصرفان اموال محجورین نظارت کند. اهمیت

مسائل اقتصادی در این نهادها زمانی آشکار می‌شود که در نظر بگیریم حفظ و رشد اموال محجورین نه تنها یک تکلیف حقوقی، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه است. ضعف در مدیریت این اموال می‌تواند به ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی بینجامد و بار مالی مضاعفی بر دوش نظام حمایت اجتماعی کشور قرار دهد. برای پر کردن این خلأها، نیازمند بازنگری اساسی در قوانین موجود هستیم. تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق، ایجاد نهادهای تخصصی نظارتی، استقرار سیستم گزارش‌دهی الکترونیک و تعیین استانداردهای حرفه‌ای از جمله راهکارهای پیشنهادی هستند. همچنین، تقویت ضمانت‌های اجرایی و ایجاد سازوکارهای حمایتی برای محجورین کم‌بضاعت می‌تواند تا حد زیادی از چالش‌های موجود بکاهد. تحقق این اهداف مستلزم همکاری همه جانبه قوای سه‌گانه و عزم جدی برای نوسازی نظام حقوقی موجود است. تنها در این صورت می‌توان امیدوار بود که نهادهای ولایت، حضانت و قیمومت بتوانند به درستی به وظایف خود عمل کرده و حقوق اقتصادی محجورین را به طور کامل تضمین کنند.

منابع

- ۱- امامی، حسن، «حقوق مدنی»، جلد ۵، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳
- ۲- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۵، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳
- ۳- امامی، حسن، حقوق مدنی، جلد ۵، چاپ چهل و دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳
- ۴- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، «حقوق اموال و مالکیت»، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال و مالکیت، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال و مالکیت، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۹
- ۷- حق خواه، منیره. (۱۳۹۰). ملاک حکم و تعدد حکم تکلیفی در حوزه ولایت مالی ولی قهری. فقه و حقوق خانواده، ۱۶(۵۵)، ۲۵-۴۴
- ۸- خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق
- ۹- خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۷ق
- ۱۰- سعید بیگدلی، «مشکلات و خلأهای قانونی نهاد حضانت در نظام حقوقی ایران»، مجله فقه و حقوق خانواده ۵۵(۱۳۹۰)
- ۱۱- شهید اول، محمد بن مکی، القواعد والفوائد، قم: کتابفروشی مفید، ۱۴۰۰

- ۱۲- شهیدی، مهدی (۱۳۸۱). اصول قراردادها و تعهدات، جلد ۲، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ۱۳- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، «حقوق خانواده»، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۱۴- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ۱۵- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۹ق
- ۱۶- علی آبادی، عبدالصمد، خوشنودی، هادی و صالحی، شعیب. (۱۴۰۴). واکاوی تصرف پدر در اموال فرزند بالغ از منظر فقه و حقوق ایران. فقه و اصول.
- ۱۷- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۲
- ۱۸- فاطمه پورمسجدیان و فرانک عباسی، «سیاست گذاری نظام حقوقی ایران در قبال توافقات ابوین بر سر حق حضانت»، مجله مطالعات زن و خانواده ۱(۱۳۹۶).
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، «حقوق خانواده»، جلد ۲، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: اموال و مالکیت، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: دوره مقدماتی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰
- ۲۲- گیلدهی، آرمین، بررسی تطبیقی حضانت و ولایت در حقوق ایران و مالزی، پایین نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی، ۱۴۰۰.
- ۲۳- محقق حلی، نجم الدین، شرایع الاسلام، تهران: انتشارات استقلال، ۱۴۰۹ق
- ۲۴- محقق داماد، سید مصطفی، «قواعد فقه: بخش مدنی»، چاپ چهاردهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲
- ۲۵- محقق داماد، سید مصطفی، «قواعد فقه: بخش مدنی»، چاپ چهاردهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۲
- ۲۶- مومنی، عابدین، صالحی رزوه، نسرین، ماهیت ولایت پدر بر فرزند شرعی و فرزند طبیعی از منظر حق یا حکم در فقه امامیه و قانون مدنی، پژوهش های فقهی، دوره شانزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۹.
- ۲۷- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۹۲ق
- ۲۸- نقیب القرا بنادکی، سیده زهرا، بیرجندی، فاطمه، اثبات ولایت والدین بر فرزندان در حقوق ایران، دوازدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی، ۱۴۰۲

۲۹- یزدانی، جلیل، مقایسه تطبیقی حضانت در حقوق ایران، فقه اسلامی و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد شاهرود، ۱۳۹۷.